

شناختنامه کتابخانه (۳)

لطفاً تاریخچه مختصری از شکل‌گیری کتابخانه بزرگ مرحوم آیت الله مرعشی نجفی (ره) و گنجینه جهانی مخطوطات اسلامی را بیان بفرمایید.

بسم الله الرحمن الرحيم. هسته اولیه این کتابخانه در زمانی که مرحوم آیت الله مرعشی نجفی در نجف بودند چون زادگاهشان نیز در نجف است در حین تحصیل و تدریس شکل می‌گیرد؛ از سهم الارث پدرشان و جدشان کتاب‌هایی به ایشان می‌رسد منظور ما از کتاب‌ها، بیشتر مخطوطات است؛ ولی انگیزه‌ای که در ایشان تشدید می‌شود برای گردآوری نسخه‌های خطی چیز دیگری بود. ایشان می‌فرمودند: روزی در حال عبور از قیصریه نجف، عده‌ای از اهل علم را دیدم که در محلی تجمع کرده‌اند فکر کردم آنجا برنامه‌ای است. من هم رفتم جلو، دیدم کسی با چوب ایستاده و کتاب‌هایی را به حراج گذاشته است. (علما در آن زمان زیاد بودند، کسی که فوت می‌کرد بازماندگانش می‌آمدند آنجا کتاب‌ها را می‌فروختند.) یک مقدار که ایستادم دیدم بیشتر این ذخایر اسلامی و شیعی را شخصی به نام «کاظم» با پول زیادی می‌خرد. تقریباً اکثر آنها را می‌خرید. سؤال کردم این شخص کیست؟ گفتند: او نماینده کنسول انگلیس در بغداد است. (چون در آن زمان، یعنی ۷۰-۸۰ سال پیش، عراق جزء مستعمرات انگلیس بوده.) ایشان فرمودند: به فکر افتادم ما مسلمان و شیعه هستیم و اینها مسیحی و کافرند؛ منظورشان از خریداری و جمع‌آوری کتاب‌ها چیست؟ شاید اغراضی پشت این قضیه باشد و آن از دو حال خارج نیست: یا قصد از بین بردن آنها را

دارند و یا می‌خواهند منابع دست اول شیعی را که در اختیار برخی از علما بوده جمع آوری کنند تا ما به آنها دسترسی نداشته باشیم؛ نظیر کتاب مدینه‌العلم شیخ صدوق که ایشان در حدیث نوشته و بسیار مفصل بوده. اگر این کتاب الان در دسترس ما بود شاید نیازی به دیگر کتب اربعه شیعه نبود؛ ناسخ کتب اربعه شیعه می‌شد ولی قریب ۴۰۰-۵۰۰ سال است که دیگر رد پای آن در دست نیست. مرحوم ابوی تا آخر عمرشان خیلی زحمت کشیدند که این کتاب را به دست بیاورند؛ به کسی که به خارج می‌رفت مأموریت می‌داد بروند در کتابخانه‌های مختلف بگردند تا ببینند چنین کتابی هست یا نه. مکاتبات زیادی انجام شد، از افراد بسیاری که می‌آمدند سؤال می‌کردیم. اما حتی یک برگ از این کتاب هم پیدا نشد چه شده که کتاب‌های دیگر شیعی، کتب فقهی، مثل نه‌ایه شیخ طوسی، از هزار سال پیش نسخه‌های متعدّدش موجود است. نهج البلاغه هست ولی این کتاب نیست؟ از این رو، انگیزه در ایشان برای مقابله با این هجمه فرهنگی تشدید می‌شود. فرمودند: من چون یک طلبه جزء بودم امکانات مالی هم نداشتم، یک وعده غذای ظهر را حذف کردم و شب‌ها بعد از بحث و درس در یک کارگاه برنج کوبی مشغول به کار شدم و نماز و روزه استیجاری بجا آوردم و دستمزد حاصل از آن را صرف خرید این ذخایر نمودم. حجم کتاب‌ها تا سال ۱۳۴۲ ق که ایشان به ایران آمدند چندان زیاد نبود. از نسخه‌های خطی تعداد معدودی توانسته بودند خریداری کنند. حتی یک روز بر سر خرید یک نسخه خطی با کاظم دلال درگیر می‌شوند و به خاطر همین، ایشان را یک شب در نجف به زندان می‌اندازند که با وساطت مراجع آن زمان آزاد می‌شوند. ایشان در سال ۱۳۴۲ ق به قصد زیارت حرم امام رضا(ع) و دیدار اقوامشان در تهران، به ایران می‌آیند و بنا داشتند بعد از دو سه ماه مجدداً به نجف بازگردند. پس از دیدن اقوام در تهران، به قم می‌آیند و به دیدار مرحوم آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی که حوزه را تازه تأسیس کرده بودند می‌روند مرحوم حاج شیخ تأکید می‌کنند که شما باید برای تدریس اینجا بمانید؛ چون حوزه نیاز به استاد دارد. ایشان همچنین فرموده بودند من به اداره فرهنگ می‌نویسم که جواز مدرسی شما را بدهند تا بتوانید تدریس کنید در آن زمان سه وزارتخانه فرهنگ، اوقاف و صنایع مستظرفه در هم ادغام بودند و وزیر آن علی اصغر حکمت

بود. اکنون این ورقه جواز موجود می‌باشد که در آن آمده است: به موجب نوشته حاج شیخ عبدالکریم حائری یزدی، آقای سید شهاب الدین مرعشی نجفی مجاز است از لباس روحانیت استفاده کند و به عنوان مدرس رسمی در حوزه قم به تدریس اشتغال داشته باشد. این مسئله مربوط به سال ۱۳۰۸ می‌باشد؛ یعنی نزدیک ۷۸ سال پیش، که عکس ایشان هم هست. ایشان بالاخره تصمیم می‌گیرند بمانند. ایشان حق بزرگی نسبت به حوزه دارند؛ خودشان می‌گفتند روزی ۱۰ درس می‌دادم، از صبح تا شب. رضا خان که دید حوزه رو به گسترش است، تصمیم گرفت حوزه را از هم بپاشد گفتند: ما امتحان می‌گذاریم، هرکس قبول شد جواز می‌دهیم. رفتند چند نفر از اساتید دانشگاه را که سابقه حوزوی داشتند جمع کردند و گفتند سخت‌ترین سؤالات را طرح کنید که طلاب نتوانند پاسخ دهند. مرحوم آقای حائری با اصرار زیاد گفته بودند در جلسه طرح سؤالات باید یکی از مدرسین حوزه هم حضور داشته باشد که مرحوم ابوی را معرفی کرده بودند. ایشان می‌گفتند: آنها می‌آمدند آنجا جمع می‌شدند، روز قبل از امتحان سؤالات مطرح می‌شد، من آنها را به حافظه می‌سپردم و شب سؤالات را به طلبه‌هایی که می‌خواستند فردا امتحان بدهند منتقل می‌کردم تا این موضوعات را مطالعه کنند از این طریق ایشان نگذاشتند تشتت پیش بیاید خود ایشان می‌فرمودند: بعد از امتحان می‌گفتند اینها چقدر وارد هستند و درس خوانده‌اند. ایشان برای حوزه از این کارها زیاد کردند. بجز فقه و اصول و ادبیات، مدتی درس اخلاق می‌دادند و مدتی هم درس تفسیر. مرحوم ابوی تا آخرین روزهای حیاتشان در قم می‌مانند و به این مجموعه اضافه می‌کنند حجم کتاب‌ها در منزل زیاد می‌شود. برخی از استادان دانشگاه روزهای جمعه می‌آمدند قم برای استفاده از منابعی که اینجا بود و جای دیگر وجود نداشت، و نهار هم می‌ماندند بحث‌های علمی صورت می‌گرفت. مرحوم آیت الله مشکات و آقایان فروزانفر و مرحوم جلال الدین همایی از جمله این افراد بودند چون حجم کتاب‌ها زیاد می‌شود تصمیم می‌گیرند نزدیک ۳۰۰ جلد کتاب خطی به کتابخانه دانشکده الهیات اهدا کنند. حدود ۴۰۰ جلد هم به کتابخانه حضرت عبدالعظیم اهدا می‌کنند. مقداری نیز به کتابخانه آستان قدس، و اندکی هم به کتابخانه شاه چراغ اهدا کردند. به تدریج با آغاز ساخت یکی از مدارس که ایشان برای طلاب اختصاص داده

بودند، ۲ اتاق را برای کتابخانه مدرسه در نظر گرفتیم و پس از ساخته شدن مدرسه، مقداری از کتاب‌ها را به مدرسه منتقل کردیم. هنوز بیش از یک ماه نگذشته بود که به خاطر استقبال زیاد علاقه‌مندان، با کمبود جا مواجه شدیم. در نتیجه طبقه سوم را به کتابخانه اختصاص دادیم که نصف آن مخزن کتاب باشد و نصف دیگر برای مطالعه. باز هجوم طلبه‌ها زیاد شد سرانجام زمین ساختمان قدیمی این کتابخانه خریداری شد و در سال ۱۳۵۳ شمسی افتتاح گردید. به تدریج همه کتاب‌هایشان را به کتابخانه تحویل دادند. بعد از چند سال، دیگر برای کتاب‌های جدید جا نبود. از این رو، به فکر توسعه آن افتادیم. حضرت امام (ره) مطلع شدند که با چنین مشکلی مواجهیم. بنده را به حضور طلبیدند، پرسیدند: مشکل چیست؟ مشکل را مطرح کردم. فرمودند: من مبلغی می‌دهم، شما خانه‌های اطراف را بخرید و اگر من زنده باشم می‌گویم دولت کمک کند؛ چون می‌دانم ابوی شما برای آثار زحمت کشیدند یک حکمی هم دادند به نخست وزیر وقت آقای مهندس موسوی که در آن نوشته بودند: هرآنچه این کتابخانه نیاز دارد به بهترین وجه فراهم آورید. خانه‌های اطراف را خریدیم و ساختمان شرکت بیمه را چون برای دولت بود به عنوان هبه غیرمعوض به کتابخانه دادند. نقشه‌های آن یک سال و نیم طول کشید که با سفرهایی به خارج از کشور آماده و اجرا شد. ساختمان جدید هم سه سال پیش توسط رئیس جمهور وقت آقای خاتمی افتتاح شد. این ساختمان در هفت طبقه، ۱۶۰۰۰ متر مربع زیر بنا دارد که با احتساب ساختمان قدیم ۲۱۰۰۰ متر مربع می‌شود. در ساختمان جدید پیش بینی‌های لازم شده که در حملات زیرزمین است. درب‌های ویژه‌ای برای آن ساخته شده که با هیچ انفجاری تکان نمی‌خورد.

آیا کتاب‌های اولیه را که مرحوم آیت الله مرعشی نجفی در نجف جمع
آوری کردند هنوز هم موجود است؟

بله موجود هستند در داخل بسیاری از آنها هم یادداشتی به این مضمون نوشته‌اند که این کتاب را از اول تا آخر مطالعه کردم. شاید بیش از ۱۰۰۰۰ جلد کتاب خطی و چاپی باشد که رئوس مطالب را با قلم قرمز نوشته‌اند. این کتابخانه در حال حاضر به لحاظ مجموعه نسخه‌های خطی اسلامی نخستین کتابخانه در کشور می‌باشد که

تعدادی افزون بر ۷۵ هزار جلد نسخه خطی در ۳۵ هزار عنوان در آن نگه‌داری می‌شود؛ چون برخی کتاب‌ها خودشان چندین جلد هستند در موضوعات مختلف. به غیر از این مجموعه، کتاب‌های چاپی این کتابخانه بسیار زیاد است؛ قریب به یک میلیون جلد کتاب که بعضی از آنها نسخه‌هایی دارند که کمتر از نسخه‌های خطی نیست. مثلاً کتاب‌های «القانون» و «النجاة» ابوعلی سینا، «تحریر اقلیدس» خواجه نصیرالدین طوسی و تعداد دیگری از آثار قدما در موضوعات مختلف که قریب به ۵۰ سال پیش متن عربی آنها چاپ شده و در دانشگاه‌های اروپا تدریس می‌شده؛ چون در زمان صفویه از صنعت چاپ خبر نبود و این اهمیت این کتاب‌ها را می‌رساند این کتاب‌ها در آن زمان بیش از ۵۰۰ نسخه چاپ نمی‌شده. این نسخه‌ها در دنیا کمیاب است. اگر هم باشد با ۴۰، ۵۰ هزار دلار هم پیدا نمی‌شود. امثال این نسخه‌ها در اینجا هست که از نسخه‌های خطی چیزی کم ندارد. برخی نسخه‌های خطی از ۱۲۰۰ یا ۱۳۰۰ سال پیش تا زمان معاصر موجود می‌باشند که قابل قیمت‌گذاری نیستند به همین دلیل، اکنون شهرت این کتابخانه در خارج از کشور نزد پژوهشگران و محققان مراکز علمی دنیا بیشتر از داخل ایران است؛ چون آنها می‌دانند چه کتاب‌هایی در اینجا هست.

لطفاً رد خصوص بخش‌های مختلف این کتابخانه توضیحاتی بیان بفرمایید.

اینجا بخش‌های ویژه‌ای دارد. پیش‌بینی‌های لازم را هم کرده‌ایم. در بخش میکروفیلم و اسکن تهیه می‌شود. تصویر یا اسکن نسخه‌های خطی در اختیار محققان علاقمند قرار می‌گیرد که روی آن کار کنند. بخش ترمیم و بازسازی نسخه‌های خطی بخش دیگری است که در آنجا تعدادی از دوستانی که دوره‌های ویژه‌ای را طی کرده‌اند مشغول کارند حتی از بعضی کشورها مثل یمن، عراق و کشورهای آسیای میانه افرادی به اینجا آمده‌اند و پس از گذراندن دوره‌های مخصوص، موفق به اخذ گواهینامه گردیده و مراجعت کرده‌اند. بخش دیگر، بخش قم‌شناسی است که تا کنون ۸۷ جلد کتاب درباره قم چاپ کرده‌ایم. در بخش تبارشناسی هم حدود ۲۰

جلد کتاب از آثار علمای قدیم را چاپ کرده‌ایم. بخش فهرست نگاری نسخه‌های خطی هم وجود دارد که زیر نظر خودم فعالیت می‌کند در این بخش محققان می‌توانند از نسخه‌های خطی استفاده کنند. یکی دیگر از بخش‌های کتابخانه، تالار مطالعه عمومی و تالار مطالعه طلاب می‌باشد. چون طلاب معمولاً فرصت مطالعه بیش از یک ساعت در هر بار مراجعه را ندارند بدون ارائه کارت می‌آیند و از کتاب‌های حوزوی استفاده می‌کنند.

این کتابخانه با ۴۰۰ مرکز علمی و کتابخانه‌های خارج از کشور ارتباط تنگاتنگ و مبادله میکروفیلم دارد. مرحوم ابوی به کتابخانه بسیار اهمیت می‌دادند با اینکه تولیت سابق آستانه مقدسه حضرت معصومه (س) قبری را برای ایشان در داخل حرم مطهر در ۲ الی ۳ متری ضریح در زیر زمین در نظر گرفته بود چون مرحوم آیت الله مرعشی نجفی کی‌وتر حرم بودند؛ به مدت ۷۰ سال اول اذان صبح، ظهر و مغرب در حرم اقامه جماعت می‌کردند و به پاس این خدمات چنین قبری را برای ایشان در نظر گرفته بودند ولی ایشان در وصیت نامه شان مرقوم فرمودند: مراد در راهروی ورودی کتابخانه زیر پای افرادی که دنبال علوم آل محمد (ص) هستند دفن کنید ما هم همین کار را کردیم. مهمان‌های خارجی، معمولاً به اینجا می‌آیند و از کتابخانه بازدید می‌کنند و برایشان دیدن این مجموعه بسیار جالب است. چندی قبل خاخام‌های یهود (۳ نفر از آمریکا و ۲ نفر از انگلیس) که مهمان دولت ایران بودند ۳ ساعت وقت داشتند که از بعضی مراکز قم بازدید کنند. اول آمدند اینجا را دیدند. در بعضی از ویتترین‌های نسخه‌های خطی، چشمشان به نسخه‌هایی با خط «عبری» افتاد، خیلی تعجب کردند. مترجمشان گفت: اینها می‌گویند قم مرکز انقلاب است، فکر می‌کردیم کتاب‌های ما را اول انقلاب سوزانده‌اند و اکستر آن را هم به باد داده‌اند، اما می‌بینیم که آثار ما را در ویتترین در کنار کتاب‌های مسلمان‌ها گذاشته‌اند و همان احترامی که برای کتاب‌های خودشان قایلند برای کتاب‌های ما هم قایلند به آنها گفتیم: ما حضرت موسی (ع) را از پیامبران اولوالعزم می‌دانیم، ما با صهیونیسم مشکل داریم. چون بازدید از کتابخانه برای آنها جذابیت زیادی داشت، گفتند: ما جاهای دیگر نمی‌رویم و این ۳ ساعت را همین جا می‌مانیم. همین جا ماندند و استفاده کردند و رفتند.

آیا این کتابخانه بیشتر به خرید و نگهداری کتب خطی و نسخه‌های

نایاب می‌پردازد و یا در زمینه‌های دیگر هم فعالیت دارد؟

ما بیشتر توجه مان به کتاب‌های خطی است و برای خرید کتاب‌های چاپی خیلی کم هزینه می‌کنیم. الان روزی نیست که یکی دو تا کتاب از سوی علما و دانشگاهیان به اینجا هدیه نشود. ما دیگر نمی‌توانیم بپذیریم؛ چون کتاب‌ها خیلی مکرر می‌شود و به دلیل کمبود جا، برای نگهداری آنها با مشکل مواجه می‌شویم. البته برخی منابع هست که در خارج از کشور چاپ می‌شود، بعضی وقت‌ها نماینده‌های ما می‌روند در این نمایشگاه‌ها آن کتاب‌هایی را که ما صد در صد نیاز داریم خریداری می‌کنیم؛ ولی اولویت با نسخه‌های خطی است که هر آماری را ما امروز از تعداد آنها بدهیم فردا تغییر می‌کند؛ چون در حال تزیید است.

بر اساس مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی، ناشران موظفند چند نسخه از کتب چاپ شده خود را به وزارت ارشاد تحویل دهند تا از این طریق برای هر یک از چهار کتابخانه بزرگ کشور یک نسخه ارسال شود. این کتاب‌ها رایگان هستند و در ازای آنها، پول پرداخت نمی‌کنیم، هر چند گاهی اوقات به دست ما نمی‌رسند.

آیا با کتابخانه‌های خارج از کشور نیز مبادله کتاب دارید؟

ما با ۴۰۰ مرکز فرهنگی و کتابخانه از کشورهای مختلف جهان مبادله کتاب داریم. یکی از کتابخانه‌ها که با ما خیلی مبادله کتاب دارد کتابخانه کنگره آمریکاست. این کتابخانه خیلی عظیم است، حتی کتاب‌های عربی چاپ کشورهای عربی شمال آفریقا را برای ما می‌فرستند؛ چون ما به طور مستقیم با کشورهای مثل مغرب، تونس، الجزایر و مصر مبادله نداریم. از این طرف هم ما کتاب‌هایی را که در ایران چاپ می‌شود برای آنها می‌فرستیم. الان بیش از ۳۰ هزار کتاب غیرفارسی از قبیل عربی، ترکی و لاتین داریم که چاپ قدیم است. البته چاپ‌های جدید داریم؛ مثل یک دائرة المعارف قرآن که اخیراً در هلند چاپ شده، اما متأسفانه تمام افرادی که در آن مقاله نوشته‌اند اهل تسنن اند و یک نفر شیعه هم جزو آنها نیست. این مجموعه اشکالات اساسی و غلط‌های بسیاری دارد که امیدواریم در چاپ جدید اصلاح شود. این دائرة

المعارف خیلی گران است. کلاً کتاب در خارج خیلی گران است. جلد پنجم آن را که برای ما فرستاده بودند ۲۲۰ یورو (تقریباً معادل ۲۵۰۰۰۰ تومان) قیمت داشت. از این رو، ما واقعاً نمی‌توانیم آن را داشته باشیم. قیمت ۱۰ جلد آن پیش از دو میلیون تومان می‌شود. ولی ما ناچاریم بعضی دانش‌نامه‌ها را تهیه کنیم. برای مثال، ۱۱ جلد از دائرة المعارف اسلامی که توسط انتشارات بریل چاپ شده است را به قیمت خیلی گران خریداری کرده‌ایم. اما در کشورهای عربی کتاب نسبتاً ارزان است و ما هم با آنها مبادله داریم و هم خرید من هر سال در همایش‌هایی که در نقاط مختلف جهان حول و حوش مخطوطات برگزار می‌شود شرکت می‌کنم؛ قریب ۸۷ مسافرت در سال. در این سفرها که با همکاران می‌رویم، در کتاب‌فروشی‌ها می‌گردیم که کتاب مناسبی پیدا کنیم.

این کتابخانه در زمینه کتب چاپ شده در چه عرصه‌هایی متمرکز است؟
 آیا فقط در زمینه اسلام و ایران مبادرت به خرید و نگهداری کتاب می‌کند و یا در زمینه‌های دیگر هم فعالیت‌هایی دارد؟

ما در همه زمینه‌ها کتاب داریم، حتی موسیقی و شطرنج. بالاتر از آن، حتی از برخی فرقه‌های ضاله نیز کتاب داریم. مثلاً در اوایل انقلاب که گروهک‌ها را گرفتند، دادگاه انقلاب یک سری از کتاب‌های آنها را به ما هدیه داد. نسخه‌های کمیابی از بهائی‌ها داریم که شاید خودشان نداشته باشند؛ چون آنها را از بین بردند به این خاطر که به ضررشان بود. ما در اینجا یک جلد کتاب داریم به نام «کشف الغطاء» که خیلی نایاب است. من این کتاب را ۲۰ سال پیش در تهران پیدا کردم و به قیمت ۵۰۰۰۰ تومان خریدم و به قم آوردم. روز بعد آن کتاب فروش با من تماس گرفت و گفت: یک بهائی آمده می‌گوید هر مبلغی که ایشان پرداخته من ۱۰ برابر آن را می‌دهم. شاید اگر کس دیگری بود و نیاز مالی داشت این کار را می‌کرد؛ چون ۵۰۰۰۰ تومان ۲۰ سال پیش پول زیادی بود. ولی ما این کار را نکردیم و این کتاب را نگهداری کردیم. ما به جز کتاب بهائی‌ها کتاب‌های خوجه‌ها، بهره‌ها، مسیحی‌ها، هندوها و کتاب‌های مذاهب مختلف را نیز داریم. البته ما به چند کتاب مذهبی بسنده نمی‌کنیم؛ کتاب‌هایی از علوم پایه، فیزیک، شیمی، نجوم، اخترشناسی، جراحی و... (هم خطی و هم چاپی) نیز داریم. ما یک فصلنامه فارسی داریم که حول

و حوش کتاب و کتاب پژوهی و نسخه‌شناسی مخوطات است. این فصلنامه برخلاف بسیاری از فصلنامه‌هایی که کسی به آنها نگاه نمی‌کند خیلی متقاضی دارد. اما به علت گران بودن کاغذ و محدود بودن امکانات، تیراژی بیش از ۲ یا ۳ هزار نسخه نمی‌توانیم داشته باشیم. الان ۱۰ سال است که این فصلنامه منتشر می‌شود.

در اینجا بخشی داریم که مربوط به تحقیقات متون است. تا کنون افزون بر ۲۵۰ عنوان کتاب که قریب ۵۰۰ جلد می‌شود (چون بعضی از آنها چند جلدی هستند) چاپ کرده‌ایم. این کتاب‌ها اغلب به زبان عربی می‌باشند؛ چون می‌خواهیم مخاطبان بیشتری از آنها استفاده کنند بیشتر این کتاب‌ها برای اولین بار تحقیق و چاپ شده‌اند بخش دیگری از انتشارات ما کاتالوگ و فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه‌های خارج از کشور می‌باشد که بعضاً به علت نداشتن امکانات نتوانسته‌اند آنها را چاپ کنند. ما با وزارت امور خارجه قراردادی در این زمینه داریم؛ آنها ویزا و امکانات اقامتی را تهیه می‌کنند و ما کارشناس می‌فرستیم فهرست می‌کنند تا الان نزدیک به ۲۰ فهرست کشورهای مختلف، از جمله تاتارستان روسیه، کشورهای آسیای میانه و جاهای دیگر را چاپ کرده‌ایم.

آیا پیش از اسلام و یا در صدر اسلام کتابخانه‌های بزرگی وجود داشته است؟

پیش از اسلام زیاد بوده، ولی در صدر اسلام اندک. شاید به خاطر تقیه، ترس، مشکلاتی که وجود داشته و یا تعداد کم جمعیت خیلی به فکر این چیزها نبودند. قبل از اسلام خیلی بوده؛ مثل کتابخانه اسکندریه که خیلی عظیم بوده و دولت مصر به کمک کشورهای عربی، روسیه، آمریکا و برخی کشورهای دیگر آن را احیا و بازسازی کرد. همسر رئیس جمهور مصر عضو رئیس امنای آن است. از دفتر رئیس جمهور برای افتتاح آنجا برای این مراسم از من هم دعوت کردند فقط از ۲۰ رئیس جمهور و نخست وزیر و شخصیت‌های ویژه مثل ژاک شیراک رئیس جمهور فرانسه، همسر پادشاه اسپانیا، و پسر ملکه انگلیس و نیز از ۱۰ نفر از رؤسای کتابخانه‌های دنیا دعوت کرده بودند. از کل خاورمیانه و هند فقط من جزو مدعوین بودم. ساختمان عظیمی بود.

علی‌رغم اینکه ۳۰-۴۰ سال از افتتاح کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی می‌گذرد، مشکلات زیادی داریم و متأسفانه آن گونه که باید و شاید در داخل ایران به کتابخانه

بها داده نمی‌شود. آن روز که به آنجا رفتم و دیدم رئیس جمهور مصر آنقدر به این کتابخانه اهمیت داده و دولت را موظف کرده که هرچه بودجه احتیاج دارد در اختیارش قرار دهد تا کتابخانه عالمگیر شود؛ برای وضعیت کشور خودمان متأثر شدم. آن روز که شروع کردند کتابی نداشتند؛ مقداری کتاب خطی از کتابخانه شهرداری اسکندریه به آنجا منتقل کردند. اما اکنون پس از گذشت ۵ سال ۵۰۰ عنوان کتاب جدید چاپ کرده‌اند و تعداد قابل توجهی نسخه خطی نیز از گوشه و کنار جهان جمع آوری کرده‌اند و الان خیلی در حال توسعه است؛ اگر ادامه پیدا کند در رده کتابخانه کنگره آمریکا و کتابخانه‌های بزرگ دنیا قرار خواهد گرفت. این کتابخانه قبل از اسلام بوده و دولت مصر هم خیلی با اسلام کار ندارد؛ آنها بیشتر می‌خواهند ناسیونالیسم عربی را که قبل از اسلام به دستور عمر آتش زده‌اند. البته این طور نیست؛ عمر گفته بود کتاب‌هایی که با دین ما سازگار نیست آتش بزنند و آنهایی که اشکال ندارد باشد.

چندی پیش گزارش را دیدم که در آن آمده بود: «کتابخانه یک حمام، در زمان سلجوقیان در شهر نیشابور، یک میلیون جلد کتاب داشت. چگونه این مطلب قابل تصور می‌باشد؟»

یک میلیون جلد کتاب برای کتابخانه‌ای کوچک ممکن است اغراق باشد؛ ولی کتابخانه صاحب بن عباد در ری را تا ۴۰۰۰۰۰ جلد کتاب نقل کرده‌اند که با بار چند شتر آنها را منتقل می‌کردند. کتابخانه زیاد بوده، ولی پس از تهاجم مغول، در قرن ششم و هفتم هجری، مدت‌ها خزینه‌های حمام در شهرهایی مثل نیشابور، اصفهان و ری را با سوزاندن کتاب‌های مسلمانان گرم می‌کردند و این مقدار که در دسترس ماست تنها بخشی از کتاب‌هایی است که در آن زمان وجود داشته است.

در عربستان یک هفته فرهنگی دارند که هر سال از یک نفر متخصص در امور کتاب برای سخنرانی دعوت می‌کنند. دو سال پیش از من برای شرکت در این مراسم و ایراد سخنرانی دعوت به عمل آوردند. عنوان برنامه آن سال «مخطوطات عربی در ایران» بود. تشکیلات زیر نظر برادر شاه عربستان می‌باشد. آنجا کتاب زیاد چاپ کرده‌اند. در آن سخنرانی گفتم: در کشور ما علی‌رغم این همه آتش سوزی‌ها در طول تاریخ و عدم توجه زمام‌داران بی‌کفایت، نیم میلیون جلد نسخه خطی موجود است و

تقریباً به همین مقدار نیز در زوایا و خفایای کشور وجود دارد که به مرور ایام نمایان می‌شود. ببینید چه قدر کتاب بوده که الان یک میلیون جلد آن موجود است. مراجعه کنندگان به کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی بیشتر از چه قشری می‌باشند؟ بیشتر طلبه‌ها و دانشجویان و نیز اساتید و مدرسین هستند؛ چون کتاب‌های اینجا بیشتر به درد آنها می‌خورد و کتاب‌های کودکان را اصلاً جمع نمی‌کنیم. از این رو، در مقاطع پایین‌تر از دانشگاه عضو نمی‌پذیریم. البته دانشگاه‌های خارج از کشور نیز خیلی اینجا مراجعه دارند و استفاده می‌کنند.

آیا در زمینه منابع اولیه شیعه نیز نسخه‌های خطی در کتابخانه موجود می‌باشد؟

ابوی سعی می‌کردند اگر کتاب خطی جمع می‌کنند یا خط خود مؤلف باشد یا نزدیک عصر مؤلف. مثلاً کتب اربعه شیعه قدیمی موجود در عالم به اندازه تعداد انگشتان دست است. تهذیب، استیصار، من لا یحضره الفقیه و کافی. خیلی این طرف و آن طرف گشتیم تا آنها را پیدا کنیم. یکی دو تا در مشهد است، یکی در دزفول، یک جلد استیصار در نجف و یک نسخه کافی در مجلس. یک دوره استیصار و نیز دو جلد من لا یحضره الفقیه که هر دو برای قرن ششم است، در اینجا موجود است. مرحوم علامه مجلسی به این مهم پی برده بود. از این رو، در زمان خود دستور داد کتب اربعه را به تعداد زیاد تکثیر نمایند. بعضی‌ها که با ایشان مخالف بودند آمدند پیش ابوی و گفتند شما که با نسخه‌های خطی سر و کار دارید آیا مرحوم مجلسی واقعاً توانسته قریب یکهزار جلد کتاب را بررسی کند و در آخر همه آنها بنویسد: این کتاب برای من قرائت شد، و دو سه سطح دیگر؟ مگر ایشان چه قدر عمر کرده؟ فوقش بشود ۱۰، ۲۰، ۳۰ جلد کتاب در این مدت نوشت، بیشتر که نمی‌شود؟ مرحوم ابوی فرمودند: این بر اثر ناآگاهی شماست. این گونه نبوده که تک تک کتاب‌ها را در محضرش بخوانند؛ مثل قرائت قرآن در یک سالن بوده؛ خود ایشان یک نسخه جلویش بوده و بقیه هم هر کدام یک نسخه داشته‌اند یک نفر با صدای بلند متن را می‌خوانده، مرحوم علامه مجلسی با صدای بلند می‌گفته‌اند این سند درست است یا نه. از این رو، نسخه‌های غلط را درست می‌کردند و به علامه مجلسی می‌دادند و ایشان در پایان آنها تأییدیه می‌نوشتند

اگر علامه مجلسی این کار را نمی‌کرد الان کتب اربعه را به دوران صفویه نسبت می‌دادند. به همین دلیل، ما اینجا نسخه‌های کهن شیعی را جمع‌آوری کرده‌ایم. نه در کشورهای خارج و نه در داخل هیچ کتابخانه‌ای نیست که این قدر کتب خطی کهن شیعی را داشته باشد در نظر داریم ۵۰ نسخه از اینها را در تیراژ اندک چاپ کنیم و به کتابخانه‌های بزرگ دنیا بفرستیم. این کار در اروپا، از جمله در آلمان، نسبت به کتب سنی‌ها شده. ما هم قصد داریم در تیراژ ۲۰۰، ۳۰۰ نسخه از روی نسخه‌های خطی خیلی مهم شیعی چاپ کنیم و به این مراکز بفرستیم تا نگویند از سده‌های بعد بوده. من متأسفم از اینکه هنوز نسخه‌های خطی ما به خارج از کشور می‌رود. دولت بیاید کاری کند که این ذخایر خارج نشود. البته خروجی‌های کشور را بسته‌اند ولی چون برخی نمایندگی‌های سیاسی کشورهای مختلف مستقر در تهران پول زیادی بابت این کتاب‌ها می‌دهند، متأسفانه از این طریق از کشور خارج می‌شوند. از این رو، مگر یک راه و آن هم اینکه دولت هیأتی مرکب از نمایندگان کتابخانه‌های ملی، مجلس و آستان قدس رضوی تشکیل دهد و اعلام کند هرکس در ایران نسخه خطی دارد و می‌خواهد بفروشد به این مراکز بیاید، در همان روز هم کارشناسی شود و پولش را بپردازند. سپس این کتاب‌های جمع‌آوری شده را در بین کتابخانه‌های ایران تقسیم کنند. اگر چنین شود حداکثری تا ۴۰-۵۰ سال دیگر تمام نسخه‌های خطی جمع‌آوری خواهد شد؛ چون این چیزی نیست که مردم تولید کنند و دولت بخرد. البته جای شکرش باقی است که کتابخانه‌های زیادی در ایران وجود دارند که کتاب‌ها را می‌خرند. یکی از مراکز خوب دنیا که کتاب‌های خطی در آن به فروش می‌رسد ایران است. آماری دارم که افرادی از منطقه خاورمیانه تا شرق آسیا و هند نسخه‌های خطی را به اروپا می‌برند آنجا کمتر به کتاب‌های فقهی توجه دارند و بیشتر کتاب‌های تزئینی و علوم پایه را جمع‌آوری می‌کنند و از آنجا به ایران می‌آورند. زمان خوبی است که از این فرصت استفاده کنیم. این پیام من است که اگر به گوش بعضی مسئولان برسد و آنها نیز همت کنند می‌توانیم از خروج این ذخایر ارزشمند از کشور جلوگیری کنیم. از اینکه در این گفت و گو شرکت کردید سپاسگزاریم.